

آیه ۱۰۲

آیه و ترجمه

و اذا كنت فيهم فاقمت لهم الصلوة فاستقم طائفة منهم معك و
 لياخذوا اسلحتهم فاذا سجدوا فليكونوا من ورائكم و لتات طائفة اخرى لم يصلوا
 فليصلوا معك و لياخذوا حذرهم و اسلحتهم و الذين كفروا لوتغفلون عن
 اسلحتكم و امتعتكم فيميلون عليكم ميلا واحدة و لا جناح عليكم ان كان بكم
 اذى من مطر او كنتم مرضى ان تضعوا اسلحتكم وخذوا حذرکم ان الله اعد
 للكافرين عذابا مهينا ۱۰۲

ترجمه :

۱۰۲ - و هنگامی که در میان آنها باشی و (در میدان جنگ برای آنها نماز برپا
 کنی باید دسته‌ای از آنها با تو (به نماز) برخیزند و باید سلاحهای خود را با خود
 بگیرند و هنگامی که سجده کردند (و نماز را به پایان رسانیدند) باید به پشت
 سر شما (به میدان نبرد) بروند و آن دسته دیگر که نماز نخوانده‌اند (و مشغول
 پیکار بوده‌اند) بیایند و با تو نماز بخوانند و باید آنها وسایل دفاعی و سلاحهای
 خود را با خود (در حال نماز) حمل کنند (زیرا) کافران دوست دارند که شما از
 سلاحها و متاعهای خود غافل شوید و یک مرتبه به شما هجوم کنند - و اگر از
 باران ناراحت هستید و یا بیمار (و مجروح) باشید مانعی ندارد که سلاحهای
 خود را بر زمین بگذارید ولی وسایل دفاعی (مانند زره و خود) را با خود
 بردارید، خداوند برای کافران عذاب خوار کننده‌ای فراهم ساخته است.

شان نزول :

هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با عده‌ای از مسلمانان به عزم
 مکه وارد سرزمین حدیبیه شدند و جریان به گوش قریش رسید، خالد بن ولید
 به سرپرستی

یک گروه دوست نفری برای جلوگیری از پیشروی مسلمانان به سوی مکه
 در کوههای نزدیک مکه مستقر شد، هنگام ظهر بلال اذان گفت و پیامبر

(صلی الله علیه و آله و سلم) با مسلمانان نماز ظهر را به جماعت ادا کردند، خالد از مشاهده این صحنه در فکر فرو رفت و به نفرات خود گفت در موقع نماز عصر که در نظر آنها بسیار پرارزش است و حتی از نورچشمان خود آن را گرامی تر می‌دارند باید از فرصت استفاده کرد و با یک حمله برق‌آسا و غافلگیرانه در حال نماز کار مسلمانان را یکسره ساخت در این هنگام آیه فوق نازل شد و دستور نماز خوف را که از هر حمله غافلگیرانه‌ای جلوگیری می‌کند به مسلمانان داد، و این خود یکی از نکات اعجاز قرآن است که قبل از اقدام دشمن، نقشه‌های آنها را نقش بر آب کرد، و لذا گفته می‌شود خالد بن ولید با مشاهده این صحنه ایمان آورد و مسلمان شد.

تفسیر :

در تعقیب آیات مربوط به جهاد، این آیه کیفیت نماز خوف را که به هنگام جنگ باید خوانده شود به مسلمانان تعلیم می‌دهد، آیه خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کرده، می‌فرماید: هنگامی که در میان آنها هستی و برای آنها نماز جماعت بر پا می‌داری باید مسلمانان به دو گروه تقسیم شوند، نخست عده‌ای با حمل اسلحه با تو به نماز بایستند.

(و اذا كنت فيهم فاقم لهم الصلوة فلتقم طائفة منهم معك و لياخذوا اسلحتهم).

سپس هنگامی که این گروه سجده کردند (و رکعت اول نماز آنها تمام شد، تو در جای خود توقف می‌کنی) و آنها با سرعت رکعت دوم را تمام

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۰۱

نموده و به میدان نبرد باز می‌گردند و در برابر دشمن می‌ایستند) و گروه دوم که نماز نخوانده‌اند، جای گروه اول را می‌گیرند و با تو نماز می‌گزارند.

(فاذا سجدوا فليكونوا من ورائكم و لتات طائفة اخرى لم يصلوا فليصلوا معك). گروه دوم نیز باید وسائل دفاعی و اسلحه را با خود داشته باشند و بر زمین نگذارند.

(و لياخذوا حذرهم و اسلحتهم).

این طرز نماز گزاردن برای این است که دشمن شما را غافلگیر نکند، زیرا

دشمن همواره در کمین است که از فرصت استفاده کند و دوست می‌دارد که شما از سلاح و متاع خود غافل شوید و یکباره به شما حمله‌ور شود.
(و الذین کفروا لو تغفلون عن اسلحتکم و امتعتکم فیملون علیکم میله واحده).

ولی از آنجا که ممکن است ضرورت‌هایی پیش بیاید که حمل سلاح و وسائل دفاعی هر دو با هم به هنگام نماز مشکل باشد، و یا به خاطر ضعف و بیماری و جراحاتی که در میدان جنگ بر افراد وارد می‌شود، حمل سلاح و وسائل دفاعی تولید زحمت کند، در پایان آیه چنین دستور می‌دهد:
«و گناهی بر شما نیست اگر از باران ناراحت باشید و یا بیمار شوید که در این حال سلاح خود را بر زمین بگذارید.»

(و لا جناح علیکم ان کان بکم اذی من مطر او کنتم مرضی ان تضعوا اسلحتکم).

ولی در هر صورت از همراه داشتن وسائل محافظتی و ایمنی (مانند زره و خود و امثال آن) غفلت نکنید و حتی در حال عذر حتما آنها را با خود داشته باشید که اگر احیانا دشمن حمله کند بتوانید تا رسیدن کمک خود را حفظ کنید (و خذوا حذرکم).

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۰۲

شما این دستورات را به کار بندید و مطمئن باشید پیروزی با شما است» (زیرا خداوند برای کافران مجازات خوار کننده‌ای آماده کرده است).
(ان الله اعد للکافرین عذابا مهینا).

در اینجا به چند نکته باید توجه داشت:

۱ - روشن است که منظور از بودن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در میان مسلمانان برای بپا داشتن نماز خوف این نیست که انجام این نماز مشروط به وجود شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است، بلکه منظور وجود امام و پیشوائی برای انجام جماعت در میان سربازان و مجاهدان است، و لذا علی (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) نیز نماز خوف بجای آوردند و حتی جمعی از فرماندهان لشگرهای اسلامی همانند حذیفه این برنامه اسلامی را به هنگام لزوم انجام دادند.

۲ - در آیه به گروه اول دستور می‌دهد که اسلحه را به هنگام نماز خوف داشته

باشند ولی به گروه دوم می‌گوید وسائل دفاعی (مانند زره) و اسلحه را هیچ کدام بزمین نگذارند.

ممکن است تفاوت این دو گروه بخاطر آن باشد که بهنگام انجام نماز توسط دسته اول دشمن هنوز کاملاً آگاه از برنامه نیست و لذا احتمال حمله ضعیف‌تر است ولی در مورد دسته دوم که دشمن متوجه انجام مراسم نماز می‌شود، احتمال هجوم بیشتر است.

۳ - منظور از حفظ امتعه این است که علاوه بر حفظ خویش باید مراقب حفظ وسائل دیگر جنگی و وسائل سفر و مواد غذایی و حیواناتی که برای تغذیه همراه دارید نیز باشید.

۴ - می‌دانیم که نماز جماعت در اسلام واجب نیست ولی از مستحبات فوق‌العاده مؤکد است و آیه فوق یکی از نشانه‌های زنده تاکید این برنامه اسلامی است که حتی در میدان جنگ برای انجام آن از روش نماز خوف استفاده

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۰۳

می‌شود، این موضوع هم اهمیت اصل نماز و هم اهمیت جماعت رامی‌رساند و مطمئناً تاثیر روانی خاصی هم در مجاهدان از نظر هماهنگی در هدف، و هم در دشمنان از نظر مشاهده اهتمام مسلمانان به وظائف خود حتی در میدان جنگ، دارد.

کیفیت نماز خوف

در آیه فوق درباره کیفیت نماز خوف، توضیح زیادی به چشم نمی‌خورد، و این روش قرآن است که کلیات را بیان کرده و شرح آن را به سنت واگذار می‌کند. طریقه نماز خوف آنچنان که از سنت استفاده می‌شود این است که نمازهای چهار رکعتی تبدیل به دو رکعت می‌شود، گروه اول، یک رکعت را با امام می‌خوانند و امام پس از اتمام یک رکعت توقف می‌کند، و آن گروه یک رکعت دیگر را به تنهایی انجام می‌دهند، و به جبهه جنگ باز می‌گردند، سپس گروه دوم جای آنها را می‌گیرند و یک رکعت نماز خود را با امام و رکعت دوم را به طور فرادی انجام می‌دهند (درباره کیفیت نماز خوف نظرهای دیگری نیز هست اما آنچه در بالا گفتیم مشهورترین نظر است).

آیه و ترجمه

فاذا قضيتم الصلوة فاذكروا الله قياما و قعودا و على جنوبكم فاذا اطمأنتم
فاقيموا الصلوة ان الصلوة كانت على المؤمنين كتبها موقوتا ۱۰۳

ترجمه :

۱۰۳ - و هنگامی که نماز را به پایان رسانیدید خدا را یاد کنید در حال ایستادن و نشستن و به هنگامی که به پهلو خوابیده‌اید، و هر گاه آرامش یافتید (و حالت خوف زایل گشت) نماز را (به صورت معمول) انجام دهید، زیرا نماز وظیفه ثابت و معینی برای مؤمنان است.

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۰۴

تفسیر :

اهمیت فریضه نماز

بدنبال دستور نماز خوف در آیه گذشته و لزوم بپاداشتن نماز حتی در حال جنگ در این آیه می‌فرماید: پس از اتمام نماز یاد خدا را فراموش نکنید، و در حال ایستادن و نشستن و زمانی که بر پهلو خوابیده‌اید به یاد خدا باشید و از او کمک بجوئید.

(فاذا قضيتم الصلوة فاذكروا الله قياما و قعودا (۱) و على جنوبكم)

منظور از یاد خدا در حال قیام و قعود و بر پهلو خوابیدن، ممکن است همان حالات استراحت در فاصله‌هایی که در میدان جنگ واقع می‌شود باشد و نیز ممکن است به معنی حالات مختلف جنگی که سربازان گاهی در حال ایستادن و زمانی نشستن و زمانی به پهلو خوابیدن، سلاحهای مختلف جنگی از جمله وسیله تیراندازی را بکار می‌برند، بوده باشد.

آیه فوق در حقیقت اشاره به یک دستور مهم اسلامی است، که معنی نماز خواندن در اوقات معین این نیست که در سایر حالات انسان از خدا غافل بماند بلکه، نماز یک دستور انضباطی است که روح توجه به پروردگار را در انسان زنده می‌کند و می‌تواند در فواصل نمازها خدا را به خاطر داشته باشد خواه در میدان جنگ باشد و خواه در غیر میدان جنگ.

آیه فوق در روایات متعددی به کیفیت نماز گزاردن بیماران تفسیر شده که اگر بتوانند ایستاده و اگر نتوانند نشسته و اگر باز نتوانند به پهلو بخوابند و

نماز را بجا آورند، این تفسیر در حقیقت یکنوع تعمیم و توسعه در معنی آیه است اگر چه آیه مخصوص به این مورد نیست.

سپس قرآن می گوید: دستور نماز خوف یک دستور استثنائی است و به مجرد اینکه حالت خوف زائل گشت، باید نماز را به همان طرز عادی انجام دهید. (فاذا اطمأنتم فاقیموا الصلوة).

و در پایان سر این همه سفارش و دقت را درباره نماز چنین بیان می دارد: زیرا نماز وظیفه ثابت و لایتنغیری برای مؤمنان است.

(ان الصلوة کانت علی المؤمنین کتابا موقوتا).

کلمه موقوت از ماده وقت است بنابراین معنی آیه چنین است که اگر ملاحظه می کنید حتی در میدان جنگ مسلمانان باید این وظیفه اسلامی را انجام دهند به خاطر آن است که نماز اوقات معینی دارد که نمی توان از آنها تخلف کرد.

ولی در روایات متعددی که در ذیل آیه وارد شده است موقوتا به معنی ثابت و واجبا تفسیر شده است که البته آن هم با مفهوم آیه سازگار است، و نتیجه آن با معنی اول تقریبا یکی است.

سؤال :

بعضی می گویند ما منکر فلسفه و اهمیت نماز و اثرات تربیتی آن نیستیم اما چه لزومی دارد که در اوقات معینی انجام شود آیا بهتر نیست که مردم آزاد

گذارده شوند و هر کس به هنگام فرصت و آمادگی روحی این وظیفه را انجام دهد.

پاسخ :

تجربه نشان داده که اگر مسائل تربیتی تحت انضباط و شرائط معین قرار نگیرد عده ای آن را به دست فراموشی می سپارند، و اساس آن به کلی متزلزل می گردد، این گونه مسائل حتما باید در اوقات معین و تحت انضباط دقیق قرار گیرد تا هیچکس عذر و بهانه ای برای ترک کردن آن نداشته باشد به خصوص اینکه انجام این عبادات در وقت معین مخصوصا به صورت دسته جمعی دارای شکوه و تاثیر و عظمت خاصی است که قابل انکار

نمی‌باشد و در حقیقت یک کلاس بزرگ انسان‌سازی تشکیل می‌دهد.

آیه ۱۰۴

آیه و ترجمه

و لا تهنوا فی ابتغاء القوم ان تكونوا تالمون فانهم یالمون کما تالمون وترجون
من الله ما لا یرجون و کان الله علیما حکیما ۱۰۴
ترجمه :

۱۰۴ - و از تعقیب دشمن سست نشوید (چه اینکه) اگر شما درد و
رنج می‌بینید آنها نیز همانند شما درد و رنج می‌بینند، ولی شما امیدی از
خدا دارید که آنها ندارند و خداوند دانا و حکیم است.

شان نزول :

در برابر هر سلاحی سلاح مشابهی

از ابن عباس و بعضی دیگر از مفسران چنین نقل شده که پس از
حوادث دردناک جنگ احد پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بر فراز
کوه احد رفت و ابو سفیان نیز بر

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۰۷

کوه احد قرار گرفت و با لحنی فاتحانه فریاد زد: ای محمد! یک روز پیروز
شدیم و روز دیگر شما یعنی این پیروزی ما در برابر شکستی که در بدر داشتیم
پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به مسلمانان فرمود: فوراً به او پاسخ گوئید
(گویا می‌خواهد به ابوسفیان اثبات کند که پرورش‌یافتگان مکتب من همه
آگاهی دارند) مسلمانان گفتند:

«هرگز وضع ما با شما یکسان نیست شهیدان ما در بهشتند و کشتگان شما
در دوزخ» ابو سفیان فریاد زد و این جمله را به صورت یک شعار افتخار آمیز
گفت:

لنا العزی و لا عزی لکم.

(ما دارای بت بزرگ عزى هستیم و شما ندارید) پیامبر (صلی الله علیه و آله و
سلم) فرمود شما هم در برابر شعار آنها بگوئید:

الله مولینا و لا مولی لکم

«سرپرست و تکیه گاه ما خدا است و شما سرپرست و تکیه‌گاهی ندارید»
ابو سفیان که خود را در مقابل این شعار زنده اسلامی ناتوان می‌دید، دست از

بت «عزی» برداشت و به دامن بت «هبل» در آویخت و فریاد زد اعل هبل! «سربلند باد هبل.»

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور داد که این شعار جاهلی را نیز با شعاری نیرومندتر و محکمتر بگویند و بگویند الله اعلی و اجل!:

«خداوند برتر و بالاتر است» ابو سفیان که از این شعارهای گوناگون خود بهره‌ای نگرفت فریاد زد: میعادگاه ما سرزمین بدر صغری است.

مسلمانان از میدان جنگ با زخمها و جراحات فراوان بازگشتند در حالی که از حوادث دردناک احد سخت ناراحت بودند در این هنگام آیه بالا نازل شد و به آنها هشدار داد که در تعقیب مشرکان کوتاهی نکنند و از این حوادث دردناک ناراحت نشوند، مسلمانان با همان حال به تعقیب دشمن برخاستند و

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۰۸

هنگامی که خبر به مشرکان رسید با سرعت از مدینه دور شدند و به مکه بازگشتند.

این شان نزول به ما می‌آموزد که مسلمانان باید هیچیک از تاکتیکهای دشمن را از نظر دور ندارند و در برابر هر وسیله مبارزه اعم از مبارزه جسمی و روانی و وسیله‌ای محکمتر و کوبنده‌تر فراهم سازند، در برابر منطق دشمنان، منطقهای نیرومندتر، و در برابر سلاحهای آنها سلاحهای برتر و، حتی در برابر شعارهای آنها شعارهای کوبنده‌تر فراهم سازند و گر نه حوادث به نفع دشمن تغییر شکل خواهد داد.

و بنابراین در عصری همچون عصر ما باید به جای تاسف خوردن در برابر حوادث دردناک و مفسد و حشتناکی که مسلمانان را از هر سواحاطه کرده به طور فعالانه دست به کار شوند، در برابر کتابها و مطبوعات ناسالم، کتب و مطبوعات سالم فراهم کنند، و در مقابل وسائل تبلیغاتی مجهز دشمنان از مجهزترین وسائل تبلیغاتی روز استفاده کنند، در مقابل مراکز ناسالم، وسائل تفریح سالم برای جوانان خود فراهم سازند و در مقابل طرحها و تزاها و دکترین‌هایی که مکاتبهای مختلف سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ارائه می‌دهند طرحهای جامع اسلامی را به شکل روز در اختیار همگان قرار دهند، تنها با استفاده از این روش است که می‌توانند موجودیت خود را حفظ کرده و به صورت یک گروه پیشرو در جهان در آیند.

به دنبال آیات مربوط به جهاد و هجرت، آیه فوق برای زنده کردن روح فداکاری در مسلمانان چنین می گوید: «هرگز از تعقیب دشمن سست نشوید.»
(و لا تهنوا فی ابتغاء القوم).

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۰۹

اشاره به اینکه هرگز در برابر دشمنان سرسخت حالت دفاعی به خودنگیرید، بلکه همیشه در مقابل چنین افرادی روح تهاجم را در خودحفظ کنید، زیرا از نظر روانی اثر فوق العاده‌ای در کوبیدن روحیه دشمن دارد، همانطور که در حادثه احد بعد از آن شکست سخت، استفاده کردن از این روش سبب شد که دشمنان اسلام که با پیروزی میدان نبود را ترک گفته بودند فکر بازگشت به میدان را که در وسط راه برای آنها پیدا شده بود از سر بدر کنند و با سرعت از مدینه دور شوند.

سپس استدلال زنده و روشنی برای این حکم بیان می کند و می گوید: چرا شما سستی به خرج دهید در حالی که اگر شما در جهاد گرفتار درد ورنج می شوید دشمنان شما نیز از این ناراحتیها سهمی دارند، با این تفاوت که شما امید به کمک و رحمت وسیع پروردگار عالم دارید و آنها فاقد چنین امیدی هستند.

(ان تكونوا تالمون فانهم يالمون كما تالمون و ترجون من الله ما لا يرجون).
و در پایان برای تاکید بیشتر می فرماید فراموش نکنید که تمام این ناراحتیها و رنجها و تلاشها و کوششها و احیانا سستیها و مسامحه کاریهای شما از دیدگاه علم خدا مخفی نیست (و کان الله علیما حکیما) و بنابراین نتیجه همه آنها را خواهید دید.

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۱۰

آیه: ۱۰۵-۱۰۶

آیه و ترجمه

انا انزلنا الیک الکتب بالحق لتحکم بین الناس بما ارئک الله و لا تکن للخائنین خصیما ۱۰۵

و استغفر الله ان الله كان عفورا رحیما ۱۰۶

ترجمه :

۱۰۵ - ما این کتاب را به حق بر تو فرستادیم تا به آنچه خداوند به تو آموخته، در میان مردم قضاوت کنی و از کسانی مباش که از خائنان حمایت نمائی.
۱۰۶ - و از خداوند طلب آمرزش نما، که خداوند آمرزنده و مهربان است.

شان نزول :

در شان نزول آیات فوق جریان مفصلی نقل شده که خلاصه اش این است: طایفه بنی ابیرق طایفه‌ای نسبتا معروف بودند، سه برادر از این طایفه بنام بشر و بشیر و مبشر نام داشتند، بشیر به خانه مسلمانی به نام رفاعة دستبرد زد و شمشیر و زره و مقداری از مواد غذایی را به سرقت برد، فرزند برادر او به نام «قتاده» که از مجاهدان بدر بود جریان را به خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کرد، ولی آن سه برادریکی از مسلمانان با ایمان را به نام لبید که در آن خانه با آنها زندگی می‌کرد در این جریان متهم ساختند. «لبید» از این تهمت ناروا سخت برآشفته، شمشیر کشید و به سوی آنها آمد و فریاد زد که مرا متهم به سرقت می‌کنید! در حالی که شما به این کار سزاوارترید شما همان منافقانی هستید که پیامبر خدا را هجومی کردید و اشعار هجو خود را به قریش نسبت می‌دادید، یا باید این تهمت را که بمن زده‌اید ثابت کنید یا شمشیر خود را بر شما فرودمی‌آورم. برادران سارق که چنین دیدند با او مدار کردند، اما چون با خبر شدند که جریان به وسیله قتاده به گوش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رسیده یکی از سخنوران قبیله

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۱۱

را دیدند که با جمعی به خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بروند و با قیافه حق بجانب سارقان را تبرئه کنند، و قتاده را به تهمت ناروا زدن متهم سازند.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) طبق وظیفه عمل به ظاهر شهادت این جمعیت را پذیرفت و قتاده را مورد سرزنش قرار داد، قتاده که بیگناه بود از این جریان بسیار ناراحت شد و به سوی عموی خود بازگشت و جریان را با اظهار تاسف فراوان بیان کرد، عمویش او را دل‌داری داد و گفت: نگران مباش خداوند

پشتیبان ما است .

آیات فوق نازل شد و این مرد بیگناه را تبرئه کرد و خائنان واقعی را مورد سرزنش شدید قرار داد.

شان نزول دیگری برای آیه نقل شده که زرهی از یکی از انصار در یکی از جنگها به سرقت رفت، آنها به یک نفر از طایفه بنی ابیرق ظنین شدند، سارق هنگامی که متوجه خطر شد، زره را به خانه یکنفر یهودی انداخت و از قبیله خود خواست که نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) گواهی به پاکی او بدهند و وجود زره را در خانه یهودی دلیل بربرائت او بگیرند پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که چنین دید طبق ظاهر او را تبرئه فرمود مرد یهودی محکوم شد، آیات فوق نازل گشت و حقیقت را روشن ساخت.

تفسیر :

از خائنان حمایت نکنید

در این آیات خداوند نخست به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) توصیه می کند که هدف از فرستادن این کتاب آسمانی این است که اصول حق و عدالت در میان مردم اجرا شود، ما این کتاب را به حق بر توفرستادیم تا به آنچه خداوند به تو آموخته است در میان مردم قضاوت کنی.»
(انا انزلنا الیک الکتاب بالحق لتحکم بین الناس بما اراک الله).

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۱۲

سپس به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هشدار می دهد که هرگز از خائنان حمایت نکند

(و لا تکن للخائنین خصیما).

گرچه روی سخن در این آیه به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است ولی شک نیست که این حکم یک حکم عمومی نسبت به تمام قضات و داوران می باشد، و به همین دلیل چنین خطابی مفهومی این نیست که ممکن است چنین کاری از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سر بزند، چه اینکه حکم مزبور ناظر به همه افراد است.

در آیه بعد به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور می دهد که از پیشگاه خدا طلب آمرزش کند (و استغفر الله) زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.

(ان الله كان غفورا رحیما).

در اینکه استغفار در اینجا برای چیست، احتمالاتی وجود دارد:
نخست اینکه «استغفار» برای آن ترک اولی است که به خاطر عجله در قضاوت در مورد شان نزول آیات صورت گرفت، یعنی گرچه آن مقدار از اعتراف و گواهی طرفین برای قضاوت تو کافی بود، ولی بهترین بود که باز هم تحقیق بیشتری در این مورد بشود.
دیگر اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در مورد این شان نزول طبق قوانین قضائی اسلام داوری کرد، و از آنجا که مدارک خائن از نظر ظاهر محکوتر بود، حق به جانب آنها داده شد، پس از آشکار شدن واقع و رسیدن حق به حقدار دستور می دهد که از خداوند طلب آمرزش کند، نه بخاطر اینکه گناهی صورت گرفته است بلکه بخاطر اینکه بر اثر صحنه سازیهای بعضی، حق مسلمانی در معرض نابودی قرار گرفته است (یعنی به اصطلاح استغفار بخاطر حکم واقعی است نه حکم ظاهری).
این احتمال را نیز داده اند که استغفار در اینجا برای طرفین دعوا بوده است که در طرح و تعقیب دعوا خلافتگوئی هائی انجام دادند.

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۱۳

در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمود:
انما انا بشر و انکم تختصمون الی و لعل بعضکم یکون الحن بحجته من بعض فاقضی بنحو ما اسمع فمن قضیت له من حق اخیه شیئا فلا یاخذہ فانما اقطع له قطعة من النار!

«من بشری همانند شما هستم (و مامور به ظاهر) شاید بعضی از شما به هنگام بیان دلیل خود قویتر از بعضی دیگر باشید، و من هم بر طبق همان دلیل قضاوت می کنم، در عین حال بدانید داوری من که بر طبق ظاهر دلیل طرفین صورت می گیرد، حق واقعی را تغییر نمی دهد، بنابراین اگر من به سود کسی (طبق ظاهر) قضاوت کنم و حق دیگری را به او بدهم پاره ای از آتش جهنم در اختیار او قرار داده ام و باید از آن پرهیزد.»
از این حدیث به خوبی روشن می شود که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) وظیفه دارد مطابق ظاهر و بر طبق دلیل طرفین دعوا قضاوت کند، البته در چنین داوری معمولا حق به حقدار می رسد، ولی گاهی هم ممکن است ظاهر

دلیل و گواهی گواهان با واقع تطبیق نکند، اینجا است که باید توجه داشت که حکم داور بهیچوجه واقع را تغییر نمی دهد، و حق، باطل، و باطل حق نمی شود.

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۱۴

آیه: ۱۰۷ - ۱۰۹

آیه و ترجمه

و لا تجدل عن الذین یختانون انفسهم ان الله لا یحب من کان خوانا ائیمما ۱۰۷
یستخفون من الناس و لا یستخفون من الله و هو معهم اذ یبیتون ما لایرضی
من القول و کان الله بما یعملون محیطا ۱۰۸
هانتهم هؤلاء جدلتم عنهم فی الحیوة الدنیا فمن یجدل الله عنهم یوم القیمة ام
من یرکون علیهم وکیلا ۱۰۹

ترجمه :

۱۰۷ - و از آنها که به خود خیانت کردند دفاع مکن زیرا خداوند افراد خیانت پیشه گنهکار را دوست ندارد.

۱۰۸ - اعمال زشت خود را از مردم پنهان می دارند اما از خدا پنهان نمی دارند، و به هنگامی که در مجالس شبانه سخنانی که خدا راضی نبود می گفتند، خدا با آنها بود و خدا به آنچه عمل می کنند احاطه دارد.

۱۰۹ - آری شما همانها هستید که در زندگی این جهان از آنها دفاع کردید، اما کیست که در برابر خداوند در روز رستاخیز از آنها دفاع کند و یا چه کسی است که وکیل و حامی آنها باشد؟!

تفسیر :

بدنبال دستورهای گذشته درباره عدم حمایت از خائنان در این آیات چنین ادامه می دهد که: هیچگاه از خائنان و آنها که به خود خیانت کردند، حمایت نکنید.

(و لا تجادل عن الذین یختانون انفسهم).

چرا که خداوند، خیانت کنندگان گنهکار را دوست نمی دارد.

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۱۵

(ان الله لا يحب من كان خوانا اثيما).

قابل توجه اینکه: در این آیه می‌فرماید: کسانی که بخود خیانت کردند درحالی که می‌دانیم طبق شان نزول آیه، خیانت نسبت به دیگران انجام شده بود، و این اشاره به همان معنی لطیفی است که قرآن بارها آن را تذکر داده که هر عملی از انسان سر بزند، آثار خوب و بد آن اعم از معنوی و مادی، قبل از هر کس متوجه خود او می‌شود، همانطور که در جای دیگر فرموده:

ان احسنتم احسنتم لانفسکم و ان اساتم فلها :

اگر نیکی کنید بخود نموده‌اید و اگر بدی کنید نیز به خودتان بد کرده‌اید و یا اینکه اشاره به مطلب دیگری است که باز هم قرآن آن را تایید کرده و آن اینکه همه افراد بشر بسان اعضاء یک پیکرند و اگر کسی زیانی به دیگری برساند همانند آن است که بخود زیان رسانده باشد، درست مثل کسی که با دست خود سیلی به صورت خود می‌زند. نکته دیگر اینکه آیه درمورد کسانی نیست که مثلاً یکبار مرتکب خیانت شده‌اند و از آن پشیمان گشته‌اند زیرا در مورد چنین کسانی نباید شدت عمل بخرج داد بلکه باید ارفاق نمود، آیه در مورد کسانی است که خیانت جزء برنامه زندگی آنان شده است، به قرینه یختانون که فعل مضارع است و دلالت بر استمرار دارد و به قرینه خوان که صیغه مبالغه است به معنی بسیار خیانت کننده واثیم که بمعنی گناهکار است و به عنوان تاکید برای خوان ذکر شده، و درآیه گذشته نیز از آنها تعبیر بخائن که اسم فاعل است و معنی وصفی دارد و نشانه تکرار عمل است شده است. سپس این گونه خائنان را مورد سرزنش قرار داده، می‌گوید: آنها شرم دارند که باطن اعمالشان برای مردم روشن شود ولی از خدا، شرم ندارند!

(يستخفون من الناس و لا يستخفون من الله)

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۱۶

خداوندی که همه جا با آنها است، و در آن هنگام که در دل شب، نقشه‌های خیانت را طرح می‌کردند و سخنانی که خدا از آن راضی نبود می‌گفتند، با آنها بود به همه اعمال آنها احاطه دارد.

(و هو معهم اذ یبیتون ما لا یرضی من القول و کان الله بما یعملون محیطا).

سپس روی سخن را به طایفه شخص سارق که از او دفاع کردند، نمود، می‌گوید: گیرم که شما در زندگی این جهان از آنها دفاع کنید ولی

کیست که در روز قیامت بتواند از آنها دفاع نماید و یا به عنوان وکیل کارهای آنها را سامان بخشد، و گرفتاریهای آنها را بر طرف سازد؟! (ها انتم هؤلاء جادلتم عنهم فی الحیوة الدنیا فمن یجادل الله عنهم یوم القیامة ام من یشکون علیهم وکیلا).

بنابراین دفاع شما از آنها بسیار کم اثر است، زیرا در زندگی جاویدان آن هم در برابر خداوند، هیچگونه مدافعی برای آنها نیست. در حقیقت در سه آیه فوق، نخست به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و همه قاضیان به حق توصیه شده که کاملاً مراقب باشند، افرادی با صحنه سازی و شاهد های دروغین حقوق دیگران را پایمال نکنند. سپس به افراد خیانتکار، و بعد به مدافعان آنها هشدار داده شده است که مراقب نتایج سوء اعمال خود در این جهان و جهان دیگر باشند. و این یکی از اسرار بلاغت قرآن است که در یک حادثه هر چند به ظاهر کوچک باشد و بر محور یک زره و مقداری مواد غذایی دور بزند و یا پای یک نفر یهودی و دشمن اسلام در میان باشد تمام جوانب مطلب را بررسی کرده و یادآوری و اخطار لازم را در هر مورد می کند از پیامبر بزرگ خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) که به حکم عصمت دامنش از هر گونه آلودگی به گناه پاک است گرفته، تا به افراد خیانت پیشه گنهکار و کسانی که به حکم تعصبات خویشتاوندی از این

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۱۷

گونه افراد دفاع می کنند، هر کدام به تناسب خود، مورد بحث قرار گرفته اند.

آیه: ۱۱۰ - ۱۱۲

آیه و ترجمه

و من یعمل سوءا او یظلم نفسه ثم یتستغفر الله یجد الله غفورا رحیما ۱۱۰
و من یکسب اثما فانما یکسبه علی نفسه و کان الله علیما حکیما ۱۱۱
و من یکسب خطیة او اثما ثم یرم به بریا فقد احتمل بهتئا و اثما مبینا ۱۱۲
ترجمه :

۱۱۰ - کسی که کار بدی انجام دهد یا به خود ستم کند سپس از خداوند طلب آمرزش نماید خدا را آمرزنده و مهربان خواهد یافت.

۱۱۱ - و کسی که گناهی مرتکب شود به زیان خود کار کرده و خداوند دانا و

حکیم است.

۱۱۲ - و کسی که خطا یا گناهی مرتکب شود سپس بیگناهی را متهم سازد بار بهتان و گناه آشکاری بر دوش گرفته است.

تفسیر :

در این سه آیه در تعقیب بحثهای مربوط به خیانت و تهمت که در آیات قبل گذشت سه حکم کلی بیان شده است:

۱ - نخست اشاره به این حقیقت شده که راه توبه، به روی افراد بدکار به هر حال باز است و کسی که به خود یا دیگری ستم کند و بعد حقیقتا پشیمان شود و از خداوند طلب آمرزش کند و در مقام جبران بر آید، خدا را آمرزنده و مهربان خواهد یافت.

(و من يعمل سوء او یظلم نفسه ثم یتستغفر الله یجد الله غفورا رحیما.)

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۱۸

باید توجه داشت که در آیه دو چیز عنوان شده یکی سوء و دیگری ظلم به نفس، و با توجه به قرینه مقابله و همچنین ریشه لغوی سوء که به معنی زیان رسانیدن به دیگری است، چنین استفاده می شود که هر نوع گناه اعم از اینکه انسان به دیگری زیان برساند یا به خود، به هنگام توبه حقیقی و جبران، قابل آمرزش است.

ضمنا از تعبیر به یجد الله غفورا رحیما:

خدا را آمرزنده و مهربان می یابد استفاده می شود که توبه حقیقی آنچنان اثر دارد که انسان در درون جان خود نتیجه آنرا می یابد، از یکسو اثر ناراحت کننده گناه با توجه به غفور بودن خداوند از بین میرود، و از طرف دیگر دوری خود را از رحمت و الطاف خداوند که نتیجه معصیت بود، به مقتضای رحیمیت او، مبدل به نزدیکی احساس می کند.

۲ - آیه دوم توضیح همان حقیقتی است که اجمال آن در آیات قبل گذشت و آن اینکه: هر گناهی که انسان مرتکب می شود بالمل و در نتیجه به خود ضرر زده و به زیان خود گام برداشته است.

(و من یکسب اثما فانما یکسبه علی نفسه.)

و در پایان آیه می فرماید: خداوند عالم است و از اعمال بندگان با خبر، و هم

حکیم است و هر کس را طبق استحقاق خود مجازات میکند.
(و کان الله علیما حکیم).

و به این ترتیب گناهان اگر چه در ظاهر مختلفند، گاهی زیان آن به دیگری میرسد و گاهی زیان آن به خویشتن است، اما پس از تحلیل نهائی همه به خود انسان باز میگردد و آثار سوء گناه قبل از همه در روح و جان خود شخص ظاهر میشود.

۳- و در آخرین آیه اشاره به اهمیت گناه تهمت زدن نسبت به افراد

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۱۹

بی گناه کرده، می فرماید: هر کس خطا یا گناهی مرتکب شود و آن را به گردن بی گناهی بیفکند، بهتان و گناه آشکاری انجام داده است.
(و من یکسب خطیئة او اثما ثم یرم به بریئا فقد احتمل بهتانا و اثما مبینا).
در این آیه گناهانی را که انسان مرتکب میشود و به گردن دیگری می افکند به دو قسم تقسیم شده یکی خطیئة و دیگر اثم - درباره تفاوت میان این دو، مفسران و اهل لغت سخن بسیار گفته اند، اما آنچه نزدیکتر به نظر میرسد این است که خطیئة از خطا در اصل به معنی لغزشها و گناهانی است که بدون قصد از انسان سر میزند و گاهی دارای کفاره و غرامت است، ولی تدریجا در معنی خطیئة توسعه ای داده شده و هر گناه اعم از عمد و غیر عمد را در بر می گیرد، زیرا هیچگونه گناهی (اعم از عمد و غیر عمد) با روح سلیم انسان سازگار نیست و اگر از او سر بزند در حقیقت یکنوع لغزش و خطا است که شایسته مقام او نیست، نتیجه اینکه خطیئة معنی وسیعی دارد که هم گناه عمدی و هم غیر عمدی را شامل میشود، ولی اثم معمولا به گناهان عمدی و اختیاری گفته میشود- و در اصل اثم به معنی چیزی است که انسان را از کاری باز میدارد و از آنجا که گناهان آدمی را از خیرات، باز میدارند به آنها اثم گفته شده است.

ضمنا باید توجه داشت که در آیه در مورد تهمت، تعبیر لطیفی به کار برده شده و آن اینکه گناه را بمنزله تیر قرار داده و انتساب آن را به دیگری به منزله پرتاب بسوی هدف اشاره به اینکه همانطور که تیراندازی به سوی دیگری ممکن است باعث از بین رفتن او شود پرتاب تیر گناه هم به کسی که مرتکب نشده ممکن است آبروی او را که بمنزله خون او است از بین ببرد، بدیهی است

وزر و وبال این کار برای همیشه بر دوش فردی که تهمت زده است باقی خواهد ماند، و تعبیر به احتمال (بر دوش می گیرد) نیز اشاره به سنگینی

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۲۰

و دوام این مسئولیت است!.

جنایت تهمت

تهمت زدن به بیگناه از زشتترین کارهایی است که اسلام آن را به شدت محکوم ساخته است، آیه فوق و روایات متعدد اسلامی که درباره این موضوع وارد شده نظر اسلام را در این زمینه روشن می سازد، امام صادق (علیه السلام) از حکیمی چنین نقل میکند:

البهتان علی البریء اثقل من جبال راسیات :

تهمت زدن به بیگناه از کوههای عظیم نیز سنگینتر است!
تهمت زدن به افراد بیگناه با روح ایمان سازگار نیست چنانکه از امام صادق (علیه السلام) نقل شده:

(إذا اتهم المؤمن أخاه انما الايمان في قلبه كما ينما الملح في الماء)

کسی که برادر مسلمانش را متهم کند، ایمان در قلب او ذوب میشود همانند ذوب شدن نمک در آب!

در حقیقت بهتان و تهمت، بدترین انواع دروغ و کذب است، زیرا هم مفاسد عظیم کذب را دارد، و هم زیانهای غیبت، و هم بدترین نوع ظلم و ستم است، و لذا از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمود:

من بهت مؤمنا او مؤمنة او قال فیهما ما لیس فیہ اقامه الله تعالی يوم القيامة علی تل من نار حتی یخرج مما قاله :

کسی که به مرد یا زن با ایمان تهمت بزند و یا درباره او چیزی بگوید.

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۲۱

که در او نیست، خداوند در روز قیامت او را بر تلی از آتش قرار می دهد تا از مسئولیت آنچه گفته است در آید.

در حقیقت رواج این کار ناجوانمردانه در یک محیط، سبب به هم ریختن نظام و عدالت اجتماعی و آلوده شدن حق به باطل و گرفتار شدن بیگناه و تبرئه گنهکار و از میان رفتن اعتماد عمومی می شود.

قبل

فہرست

قال